

سیره امام جواد (ع)

امام نهم علیه السلام در شب دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری به دنیا آمد.



امام نهم علیه السلام در شب دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری به دنیا آمد. مورخان و محدثان نسبت به سال ولادت باسعادت نهمین پیشوای شیعیان، حضرت امام محمد تقی علیه السلام، اتفاق نظر دارند و همگی تولد آن بزرگوار را به سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره نوشته اند و به ماه و روز میلاد اختلاف نظر دارند.

حضرت رضا (ع) در همان شب ولادت، شیعیان را از تولد فرزند خود آگاه کرد و فرمود: حق تعالی به من پسری عنایت کرد که چون موسی بن عمران شکافنده دریاهاست و نظیر عیسی بن مریم (ع) است که حق تعالی مادر او را مقدس و مطهر گردانید و طاهر و مطهر آفریده شده بود. با شنیدن این خبر دل شیعیان شاد، چشم آنان روشن و نگرانی ایشان برطرف شد و خدا را بر این نعمت سپاس گفتند. (ر.ک. جلاءالعیون، ص ۹۶۱)

امام هشتم شیعیان، نام مولودش را به نام جدش رسول خدا (ص) محمد گذاشت. زیرا در صحیفه ای که از آسمان نازل شده بود، آن حضرت، کنیه ابوجعفر را برای فرزندش انتخاب کرد و همواره او را با این کنیه می خواند و چون در نام و کنیه با پیشوای پنجم امام محمد باقر (ع) مشترک بود، نزد مورخان و محدثان به ابوجعفر ثانی مشهور گشت. کنیه دیگر و غیر مشهور آن حضرت ابوعلی است که به مناسبت فرزند گرانقدرش علی النقی بر آن حضرت گذاشته بودند. در کتاب های تاریخ و حدیث لقبهای زیادی برای پیشوای نهم (ع) ذکر شده است از جمله: تقی، جواد، مرضی، متوکل، متقی، زکی، منتجب، مرتضی، قانع، عالم ربانی، رضی، مختار، صادق، صابر و فاضل. همچنین در میان شیعیان و اهل سنت به لقب باب المراد مشهور بود، زیرا حاجت های مردم را بسیار برآورده می ساخت و کرامتهای بی شماری از آن حضرت دیده شده ولی مشهورترین لقب های امام نهم (ع) تقی و جواد است.

هر یک از این القاب برای امام (ع) بیانگر ویژگی های اخلاقی و روحی، برجستگی های معنوی و رفتاری و فضایل و کمالات نفسانی است که آن حضرت را از دیگران ممتاز می ساخته است. آن حضرت باتقواترین فرد اهل زمان خود بود و کسی در جود و بخشش در مرتبه آن حضرت قرار نداشت.

امامان معصوم علیه السلام از نظر داشتن صفات عالی انسانی و از جمله مکارم اخلاق در حد اعلائی کمال هستند. سجایا و مکارم اخلاقی امامان معصوم از والاترین منبع اخلاق سرچشمه گرفته است. آنان اخلاق نیک را از جد گرامیشان پیامبر اسلام (ص) به ارث برده اند و آیین تمام نمای رسول خدا (ص) هستند. فضائل و مکارم اخلاقی امام جواد (ع) به گونه ای بود که همگی حتی مخالفان و دشمنان بدان اعتراف کرده و با دیدن آن خصال برجسته ناخودآگاه مجذوب آن وجود الهی شده، زبان به مدح و ستایش می گشودند.

عبادت های پیوسته امام و نیایش های شبانه آن حضرت مشهور بود. اظهار نیازمندی به درگاه ایزد متعال خصوصیت ویژه همه امامان و از جمله امام جواد (ع) بود. دعاها و فراوانی از امام جواد در کتب ادعیه نقل شده است: از جمله دعای ایشان در طلب توبه، طلب خیر، طلب روزی و ... که حاکی از اظهار نیاز پیوسته ایشان به قادر متعال است.

زهد امام جواد (ع) نیز مانند دیگر فضایل ایشان نمود بسیار داشت. با اینکه مدتی در کاخ مامون زندگی می کرد و خلیفه نیز سعی داشت او را به سوی مظاهر مادی جلب کند ولی ایشان به هیچ وجه بدانها دل بستگی نداشت.

امام جواد برای تربیت شیعیان و مسلمانان در زمینه های مختلف اخلاقی و تربیتی، بیاناتی دارد که توجه به آنها برای شیعیان شایسته و لازم است. امام جواد به تاخیر انداختن توبه، امروز و فردا کردن، اصرار بر گناه و ایمن شدن از مکر خدا برحذر می دارد و مومن را به سه نیاز واقعی اش توجه می دهد: توفیق خدایی، واعظ نفسانی و قبول نصیحت، برای هر چیزی زینتی می شمرد و از متوجه شدن انحصاری به زینت های مادی هشدار می دهد. (ر.ک. بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۶۵، ح ۳)

یکی از راه های شناسایی هر فرد، توجه به اظهارنظر مخالفان و موافقان در مورد وی است. امام جواد (ع) شخصیتی بی نظیر و جامع کمالات و فضایل علمی و اخلاقی بود که دوست و دشمن را تحت تاثیر قرار داد، و به اعجاب و تحسین واداشت.

علمای شیعه همگی بر فضل، بزرگواری، علم، حلم و دیگر کمالات آن حضرت تصریح کرده اند و او را همچون جدش رسول خدا (ص) و علی ابن ابی طالب علیه السلام جامع خوبیها شمرده اند. علمای بزرگ اهل سنت نیز همگی بر فضیلت و برتری امام (ع) بر اهل زمان خود

اعتراف کرده اند.

برای امام جواد علیه السلام از سوی دستگاه خلافت شریعی فراهم شده بود که امکان تماس زیاد مردم با آن حضرت و بهره گیری از محضر پرفیضش مشکل بود. با این حال گروه زیادی از شیفتگان مکتب ولایت، توفیق درک محضر آن گرامی را پیدا کرده و از خرمن دانشش خوشه ها چیدند. و بسیاری از این تربیت یافتگان با مکتوب کردن علوم که از امام جواد (ع) آموخته بودند خدمت شایانی به جامعه شیعی کردند.

شمار شاگردان و تربیت یافتگان امام جواد (ع) در منابع رجالی و تاریخی مختلف ذکر شده است. دانشمند گرانقدر، شیخ طوسی نام ۱۱۳ نفر از اصحاب و راویان آن حضرت را ذکر کرده است که در بین آنان افراد زبده و سرشناسی به چشم می خورد از قبیل:

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی؛ که از اصحاب اجماع است و همگان به فقاہت او اعتراف کرده و مرسلاتش را پذیرفته اند، احمد بن اسحاق اشعری؛ که شیخ و سرور قمیین بود. زکریا بن آدم قمی؛ که نزد حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام از ارج و مقام والایی برخوردار بود، ابراهیم بن محمد همدانی؛ از چهره های برجسته و از اصحاب جلیل القدر و مورد اعتماد امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بود، عبد العظیم حسنی؛ احادیث بسیاری از امام جواد و امام هادی علیهما السلام نقل کرده و آن دو امام بزرگوار نامه ها و پیامهایی به او ارسال داشته اند، علی بن مهزیار اهوازی؛ از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بود. وی از شیعیان بلند مرتبه، مورد اعتماد و از فقهای اصحاب است، حسن بن سعید اهوازی؛ از بزرگان اصحاب امام جواد (ع) و از معتمدان شیعه بود، محمد بن اسماعیل بن بزيع؛ که مردی پارسا و نیکوکار و درست کردار و مورد اعتماد همگان بود. (ر.ک. رجال طوسی)

امام جواد علیه السلام در جامعه اسلامی از موقعیت بالایی برخوردار بود و در امور مربوط به امامت فعالیت گسترده ای داشت. از این رو معتصم عباسی هنگامی که به خلافت رسید، آن حضرت را به بغداد احضار کرد تا او تحت نظر خود داشته باشد و از گسترش نفوذ امام (ع) جلوگیری کند. شکست علمی فقهای درباری، از جمله قاضی القضاة، وی را به سعایت امام (ع) وا داشت. او عمل خلیفه به فتوای امام و رد فتوای علمای درباری را شکستی برای دستگاه خلافت و پیروزی برای امام جواد جلوه داد و معتصم با شنیدن سخنان قاضی متوجه عمق خطر شد و تصمیم گرفت هر چه زودتر نقشه قتل امام (ع) را اجرا کند. سرانجام در آخر ذیقعده سال ۲۲۰ هجری در حالی که ۲۵ سال از عمر پربهرکتش می گذشت به شهادت رسید و پیکر پاکش در کنار جد بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر (ع) در قبرستان قریش در بغداد به خاک سپرده شد. بارگاه ملکوتی این دو پیشوای معصوم به کاظمین معروف است و زیارتگاه و کعبه آمال شیفتگان حق و دوستاناران مکتب امامت و ولایت است.

در سالروز شهادت این امام عظیم الشان یکی از رهروانش (شهید هاشمی) نژاد بدست منافقین جنایتکار به شهادت می رسد و امام خمینی (س) در این باره می فرماید:

در روز شهادت امام جواد- سلام الله علیه- یکی از فرزندان و تبار آن خانواده به شهادت رسید؛ شهید هاشمی نژاد که من از نزدیک با او آشنا بودم و خصال و تعهد آن شهید را لمس کرده بودم و مراتب فضل و مجاهدت آن بر اشخاصی که او را می شناسند پوشیده نیست.

امروز در روز شهادت سلف صالح، این خلف صالح و متعهد از دست ما گرفته شد. و من نمی دانم که انگیزه این شرارتها، که مشغولند این گروهکهای ضعیف نادان و عمال قدرتهای بزرگ خصوصاً امریکا؛ چه می خواهند و چه انگیزه دارند؟ اینها انگیزه این را دارند که ۳۶ میلیون جمعیت ایران و میلیونها جمعیتهای مسلم و مستضعف جهان، که همه پشتیبان این جمهوری هستند، می خواهند با ترور بعض شخصیتها، اینها را از این راهی که راه اسلام است، منحرف کنند. اینها نمی فهمند که این توده های عظیم، که چون سیل خروشان در تمام کشور در مقابل قدرتهای بزرگ ایستاده اند، با ترور اشخاص و لو هر چه بزرگ و ارجمند باشند، اینها به خودشان سستی و فتور راه نمی دهند، بلکه منسجم تر می شوند. اینها می خواهند با کشتن اولاد پیغمبر و با به عزا نشستن امام عصر- سلام الله علیه- و مؤمنین، ضربه به اسلام بزنند. اسلام از این شهدا و بالاترین شهدا را در راه هدف تقدیم کرده است. اسلام مثل خود رسول اکرم را و مثل امیر المؤمنین - سلام الله علیه- و ائمه معصومین و علمای بزرگ در طول تاریخ را فدای این راه و هدف نموده. چه باک از اینکه این فرزندان اسلام، که شهادت برای آنها افتخار و برای ملت ما افتخار آفرین است، از دست بروند؟ اگر میزان هدف است و اگر میزان اسلام است و پیاده کردن احکام قرآن است، این هدف به جای خودش هست و هر یک از اینها که شهید بشوند، با آنکه بر ما ناگوار است، لکن برای هدف مفید است.

این هدف که از عهد آدم تا کنون مورد نظر خدای تبارک و تعالی و مورد نظر انبیای عظام و مورد نظر اولیای خدا بوده است و همه در راه این هدف فداکاری کرده اند و خود یا فرزندان خود را در راه این هدف نثار کرده اند خون آنها را، این هدف به پیش می رود و با این شرارتها، که این گروههای فاسد به راه انداخته اند، هدف از دست نخواهد رفت. و ملت رزمنده و شریف ایران خود را حاضر کرده است

برای خدا، همه چیز خودش را فدا کند. پس اینها اگر هدفشان هدم اسلام است، اسلام با این خونها زنده می شود. و اگر هدفشان این است که جمهوری اسلامی از بین برود، جمهوری اسلامی با این خونها آبیاری می شود. (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۲۵۷)

ایشان درباره خاندان پیامبر اسلام (ص) می فرمایند:

خدایا؛ درود بی پایان فرست بر مبدأ و غایت ظهور و صورت و ماده اصل نور (که هیولای اولی است) و هم او برزخ کبراست چنانچه [ذنی] نزدیک شد پس تعینات را رها کرد [فَتَدَلَى] و خرامید [فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ] پس در جایگاه یک کمان کامل با دو قوس وجود و تکمیل دایره غیب و شهود قرار گرفت [أَوْ أَدْنَى] یا نزدیکتر از آنکه همان مقام عماء است، بلکه در آن جایگاه هیچ مقامی نیست - بنابر اصح نظریات - (عنقا شکار کس نشود دام باز گیر).

و خدایا؛ درود فرست بر آل او که ظهور الهی را گشایشگر و نور الهی را نمایانگرند بلکه نور علی نور هم ایشانند، ریشه و شاخه درخت مبارکه زیتون و سدره المنتهی [درختی در بالاترین مکان بهشت] هم اوست و هم او جنس و فصل کون جامع و حقیقت کلیه است. (صحیفه امام؛ ج ۱، ص: ۷)